

سخن سردبیر

گفتگوی صمیمانه

در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۴ نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور از کلیه استادان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی و یا علم اطلاعات و دانش‌شناسی دعوتی به عمل آورد تا در یک نشست صمیمانه به گفت‌وگو بنشینند و مسائل و مشکلات موجود در این حوزه و نیز مرتبط با نهاد کتابخانه‌ها مورد بررسی قرار گیرد. ظاهراً همه استادان مقیم تهران و منتخبی از اساتید شهرستان‌ها دعوت شده بودند که اگر از همه آنها دعوت می‌شد شاید مناسب‌تر بود. تشکیل چنین جلسه‌ای دست‌کم بعد از انقلاب اسلامی برای اساتید این حوزه بی‌سابقه بود. استقبال هم خوب بود و اکثریت قریب به اتفاق در این جلسه شرکت نمودند. اگرچه جلسه بر اساس سنت نامبارک ایرانی که همیشه دیر شروع می‌شود، با تأخیر شروع شد ولی در عوض مدت زمان آن بسیار بیشتر از زمان تأخیر در شروع، به درازا کشید. پس از سخنان کوتاهی توسط مدیران نهاد، اعلام شد که تریبون باز است و هر کس می‌تواند در مورد هر مسئله مرتبط سخن بگوید. شروع سخنان، با انتظارات از نهاد کتابخانه‌ها توأم شد که اگر چه مبین صراحت لهجه بود و نهاد خود آن را خواسته بود ولی به نظر می‌رسید که در جلسه‌ای این چنین، آن هم برای اولین بار و خطاب به دبیرکلی که به تازگی به این سمت منصوب شده است قدری عجولانه بود. یکی از پیش‌کسوتانی که در کنارش نشسته بودم هم به این مسئله تصریح کرد. مناسب بود که علیرغم میل بانی جلسه که علت دعوت را شنیدن نظرات صریح افراد اعلام نموده بود، هماهنگی نسبی توسط بعضی از مسئولان از جمله انجمن علمی کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران صورت می‌گرفت تا هم به امتهات پراخته می‌شد و هم صرفه‌جویی در وقت می‌گردید. در هر حال در طول جلسه، استادان آنچه را که مد نظرشان بود گفتند و به مسائل گوناگونی از وضعیت نهاد گرفته تا وضعیت عالم علم اطلاعات و دانش‌شناسی و نیاز به خواندن و تشویق برای مطالعه، پرداختند. شاید نهاد محترم میل داشت که ضمن شنیدن نقطه‌نظرها و انتقادات، پیشنهادها و راهکارهایی هم دریافت می‌کرد. در عین حال، بعضی‌ها به چند نکته محوری اشاره کردند. این محورها عبارت بودند از: برنامه‌ریزی برای شناساندن کتابداران و وظایف آنان به مقامات مسئول در سطح کلان کشور، برنامه‌ریزی جهت ارتقاء سطح آموزش، پژوهش و اخلاق کتابداران، برنامه‌ریزی جهت اثرگذاری بر تألیف و نشر، برنامه‌ریزی جهت ارتقاء فرهنگ عمومی با کمک

سایر نهادهای مسئول، برنامه‌ریزی در مجموعه‌سازی و فراهم‌آوری، و برنامه‌ریزی برای خواندن و ارتقاء سطح آن در کشور. و اینک توضیح این موارد:

۱. برنامه‌ریزی برای شناساندن کتابداران، وظایف و توانمندی‌های آنان به مقامات مسئول

در سطح کلان کشور:

اگر داشتن نیروی انسانی متخصص در بین سازمان و نهادی آن هم به تعداد حدود ۶ هزار نفر در سطح کشور، سرمایه تلقی می‌شود که قطعاً چنین است و نیز داشتن امکانات فراوان از قبیل کتاب، سند، مجموعه خطی و سایر دستگاه‌های فنی سرمایه مضاعفی به حساب می‌آید، می‌توان گفت که نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، پس از آموزش و پرورش یکی از دارندگان بزرگ سرمایه انسانی و تجهیزاتی است که باید در جهت گوناگون از این سرمایه استفاده شود. همه می‌دانند که هر سازمان و نهادی در کشور در سطح کلان متولی و متولیانی دارد که در هنگام نیاز از حقوقشان دفاع کند و یا توانایی‌های آنها را به رخ بکشد تا در پیشبرد روند کشور بتواند سهم باشد. با کمال تأسف کتابداران و اطلاع‌رسانان در کل کشور و در کلان تصمیم‌گیری‌ها از چنین موهبتی برخوردار نیستند و یا کمتر برخوردارند. شاید یکی از دلایل آن پراکنده بودن کتابداران در بین وزارتخانه‌های گوناگون است که در عین اهمیت کار آنان، متولی مشخصی از آنها یاد نمی‌کند و در اداره کشور از آنان یاری نمی‌طلبد. برنامه‌ریزی برای انجام چنین کاری توجه خاص مسئولان این مراکز، که اغلب غیر کتابدارانند را می‌طلبد.

۲. برنامه‌ریزی جهت ارتقاء سطح آموزش، پژوهش و اخلاق کتابداران. هر یک از سه مقوله اشاره شده دارای اهمیت فراوان است. بالا بردن سطح آموزش تخصصی کتابداران اگر بر محور متن وظایف از پیش تعیین شده و مشخص باشد، قطعاً آثار خود را در جامعه نشان خواهد داد. در مقاله «کارکردهایی جدید برای کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی» که در همین نشریه چاپ شده است، سه وظیفه و کارکرد اصلی برای کتابداران را برشمرده‌ام که به نظر می‌رسد می‌توان آنها را عملیاتی و اجرایی کرد. شناسایی منابع به تفصیل، شناسایی مخاطبان و کاربران به تفصیل و ایجاد رابطه‌ای بین این دو با مشاوره. طبیعی است که با آموزش‌های مداوم می‌توان به این مهم دست یافت. نکته دیگر در آموزش، علاوه بر آموزش ضمن خدمت، ارتباط با دانشگاه‌ها و تنظیم قرارداد همکاری است. این همکاری می‌تواند شامل آموزش‌های رسمی و غیررسمی باشد. مهم این است که نهاد کتابخانه‌ها به عنوان کارفرما، نیازمندی‌های خود را از دانشگاه مطالبه و دانشگاه هم بر وفق اصول آموزشی، خواسته‌ها و نیازهای نهاد را برآورده کند.

چند سال قبل تفاهم‌نامه‌ای بین نهاد و دانشگاه تهران (دانشکده علم اطلاعات و دانش‌شناسی) منعقد شد ولی اجرایی نشد. در مورد پژوهش، پیشنهاد این است که هسته‌های پژوهش در کل استان‌ها تشکیل شود و رهبری آن در مرکز باشد تا افراد متعهد در سراسر کشور شناسایی و تشویق شوند و به پژوهش بپردازند. اخلاق، محور سومی است که به آموزش، تربیت، و نظارت نیاز دارد. برخورد درست با جامعه، ایجاد روحیه خدمت به خلق و آن را نعمتی از جانب خدا دانستن، نیاز به اعتقاد، آموزش و مهارت دارد.

۳. برنامه‌ریزی جهت اثرگذاری بر تألیف و نشر: تاکنون نهاد کتابخانه‌های عمومی مصرف‌کننده بزرگی برای انتشارات کشور بوده است و گاه گاهی روابط درست و نادرستی از برخورد آنان با قشر عظیم ناشران هم شنیده شده است. فعالانه یا منفعلانه برخورد کردن با حوزه نشر از مسائل مهمی است که نیاز به برنامه‌ریزی دارد. اگر کتابخانه‌های عمومی در سطح کشور یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان نشریات هستند، چرا نتوانند به عنوان کارفرما در جهت‌دهی تولید محتوا نقش داشته باشند. فرض بر این است که کتابداران با سواد از یک طرف با مؤلفان و مصنفان و از طرف دیگر با ناشران و از همه مهم‌تر با کاربران در ارتباط‌اند، چرا نباید نقش واسطی به عنوان مشاور امین و دلسوز نشر داشته باشند و مسائل مبتلابه جامعه را به آنان، جهت تألیف و انتشار گوشزد کنند و یا سفارش دهند.

۴. برنامه‌ریزی جهت ارتقاء سطح فرهنگ عمومی. یکی از مسائل مهم در جامعه، توجه به فرهنگ عمومی است. ایجاد شورای فرهنگ عمومی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نشان از اهمیت موضوع دارد. فرهنگ عمومی تعیین می‌کند که گرایش مردم به لحاظ علمی، اجتماعی، فنی، سیاسی، اقتصادی، و یا سایر موارد به چه سمت و سوئی است. اگر دولت‌ها بخواهند فرهنگ عمومی را جهت دهند، یکی از مراکزی که می‌تواند به آنها یاری رساند، کتابخانه‌های عمومی و کتابداران است. البته فرهنگ چیزی نیست که به صورت دستوری اجرا شود. بلکه هدف، توجه به ظرائف و نکاتی است که در این رابطه وجود دارد و اگر عزمی ملی و کلی وجود داشته باشد، کتابخانه‌ها محل مناسبی برای همکاری است. پس از آموزش و پرورش، کتابخانه‌ها بیش از سایر سازمان‌ها به صورت هدفمند با مردم در ارتباط‌اند. بدیهی است جلب توجه مسئولان و ایجاد آمادگی در کتابداران برای همکاری نیاز به برنامه‌ریزی درازمدت دارد که قطعاً در شورای فرهنگ عمومی به آن اشارت رفته است. به عنوان مثال، مصادیق فرهنگ عمومی می‌تواند از جمله توجه به راست‌گویی، پرهیز از مجامله و تملق، توجه به فرهنگ

نظم به ویژه در ترافیک، گذشت و فداکاری و مانند آن باشد که با برنامه‌های متنوع سمعی و بصری و غیر آن می‌تواند اهداف فرهنگی مورد نظر را ترویج کند و خود کتابداران می‌توانند نمونه‌های آن باشند.

۵. برنامه‌ریزی در مجموعه‌سازی و فرآهم‌آوری. آنچه تاکنون صورت گرفته است این است که مجموعه‌سازی کمتر ناظر به اهداف واقعی بوده است و با آن که مسئولان نیت خیر داشته‌اند، اما میزان بهره‌گیری از منابع نشانگر عدم استقبال کامل از این برنامه‌ها بوده است، البته ذائقه فرهنگی و علمی جامعه را دانستن و مناسب با آن برنامه‌ریزی کردن و اتخاذ بهترین شیوه برای عرضه در تعامل با ناشران و مؤلفان خود کار عظیمی است که برنامه‌ریزی وسیعی را طلب می‌کند. هر از گاهی معیارهایی از غرب به‌عنوان دستورالعمل که گاهی تعدیل‌هایی هم در آن صورت می‌گیرد، مورد توجه بوده است ولی کارساز و موفق نبوده است. تناسب مجموعه‌ها با نیازهای فعلی و آتی مخاطبان، برنامه، تخصص و دلسوزی می‌خواهد. انبار کردن محتوا آن‌هم بیشتر از طریق اهدا، اگرچه در بعضی موارد خوب است ولی کارساز نیست. توجه به هزینه و فایده در مجموعه‌سازی امری است که مورد غفلت واقع شده است. اگر نهاد کتابخانه‌های عمومی به این امر که قطعاً جزء وظایف اصلی آن است اهتمام کند باید از افراد صاحب‌نظر و بی‌غرض که به منافع ملی می‌اندیشند کمک بگیرد تا کتابخانه‌ها ضمن ایفای نقش خود از اسراف و اتلاف منابع به دور باشند.

۶. برنامه‌ریزی برای ارتقاء سطح خواندن. یکی از اهداف و وظایف کتابخانه‌های عمومی تشویق و ترغیب برای مطالعه است. تهیه دستورالعمل‌های مطالعه، آموزش‌های مداوم در این مورد، معرفی منابع و کتب مناسب و طبقه‌بندی‌شده از حوزه‌های موضوعی مختلف، می‌تواند یکی از اهداف نهاد کتابخانه‌های عمومی باشد که با استفاده از ابزار رسانه، آن را به نحو شایسته و گسترده اجرا کند. بالا بردن سطح سواد عمومی و اطلاعاتی از اهداف دیگر نهاد کتابخانه‌های عمومی است. دولت‌ها چنانچه به سواد عمومی و اطلاعاتی توجه داشته باشند باید بدانند که یکی از مراکزی که می‌تواند به کمک آن‌ها بشتابد همین کتابخانه‌های عمومی است. در خاتمه، ضمن ارج نهادن به گفت‌وگوی صمیمانه برای نهاد کتابخانه‌های عمومی در انجام برنامه‌ریزی‌های فوق و مشابه آن آرزوی توفیق دارم.